



امام علی^(ع):
برترین مردم سودمندترین آنهاست به مردم.
غزل‌الحکم و درر‌الکلم



مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیات مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **نقطن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **تلفن:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ • **روابط عمومی:** **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر کسپتر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های ایران و مؤسسه جام جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **بذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

• **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:**
صادق حسین جابری انصاری
• **سردبیر:**
هادی خسروشاهین



پیوندی غریب میان «گیو» شاهنامه با بحران‌های روز ایران و جنگ‌های شمال برقرار می‌سازد.

از کارگاه نسل نو تا نقد خطوط قرمز
در حاشیه‌ی اکران‌ها، نیکی جشنواره با رویدادهایی پیوند خورده که آینده و حافظه این سینما را هدف گرفته‌اند. اولین نماد این پیوند، انتشار تیزری برآمده از هوش مصنوعی در کانال رسمی رویداد بود؛ تصویری الهام‌گرفته از انیمیشن «شاهزاده روم» به یاد زهر محمدی گلیا یگانی، شهید ۱۴ ماهه روز اول جنگ.
نگاه به سینمای متعهد به خاک و هویت، بدون آسیب‌شناسی ناممکن است. توجز نصر، دوبلور پیشگسوت در گفت‌وگویی با «آناه» یا یادآوری اینکه «آموزش عشق به میهن حق طبیعی کودکان است»، انگشت روی آسیبی دیرا گذاشت واز نگاه دستوری انتقاد کرد؛ «اصرار برخی مدیران بر پیام‌رسانی مستقیم و خطوط قرمز سلیقه‌ای، دست فیلمسازان را برای روایت جنگ‌های اخیر از جمله نبردهای ۱۲ روزه و رمضان بسته است؛ خطوطی که اگر برچیده شوند، سینمای کودک مستثانانه پای دفاع از وطن خواهد ایستاد.»
اما زنده‌ترین جریان روزهای اخیر در اصفهان، ورود ۳۵ نوجوان منتخب از ۲۰ استان برای آغاز نهمین «المپیاد فیلمسازی نوجوانان» بود؛ رویدادی که پس از وقفه ناشی از شرایط جنگی و جدایی از تقویم جشنواره، بار دیگر به من جشنواره بازگشته است. با مدیریت سعید نجاتی، این استعداددهای ۱۴ تا ۱۷ ساله در پنج گروه و زیر نظر منتورهای شاخص، در ماراتنی فشرده از ایده تا تدوین، پنج اثر داستانی و پویانمایی خلق می‌کنند تا پس از رقابت، مستقیم به دفا تر انجمن سینمای جوانان متصل شوند؛ کارخانه‌ای برای پرورش فیلمسازان نسل بعد.

یک موج انفجار موشکی را واگویی می‌کند. در کنار آن‌ها، علی سراهنگ با فیلم رازآلود «نور» به جشنواره آمده تا تلخی‌ها را در سکوت روایت کند.
اما سینمای کودک برای بقا به رویا، ماجراجویی و طراوت امید نیاز دارد. در این میان، چهره‌های شناخته‌شده تلاش کرده‌اند تا شاید برای نسل نو غافلگیری‌هایی تدارک ببینند؛ از داریوش فرضایی (عمو پورنگ) که در «عموی چه‌ها» (پنه‌تیه‌کندگی علی قائم‌مقامی) اولین نقش آفرینی سینمایی‌اش را برای پیوند دادن یک خانواده تجربه می‌کند، تا بازگشت گروه «فیتیله‌ها» با هدایت آرش معیریان در فانتزی پرماجرای «شونینگا»، منوچهر هادی نیز با کم‌دی‌درام اجتماعی «من چا سوزنی چشم» و بازی یکتا ناصر و علیرضا خمسه، پای منازعات اقتصادی و حفظ هویت شغلی خانواده‌ها به جهان نوجوانان کشانده است.
در عرصه اقلیم و کشف جهان، فریدون نجفی در «عروس چشمه» با بازی الناز شاکردوست، افسانه‌های فولکلور کوهرستان را به جالش‌های زیست‌محیطی گره می‌زند. مهدی شفيعي در «دو تفنگ‌دار» ماجرای رفاقت نوجوانی کارگر با پسری جنگ‌زده را به جالش‌های زیست‌محیطی گره می‌زند. محمد اسفندیاری در «کاکالوتی» نقیبی به جهان سوررئال و خیال‌انگیز می‌زند و محمد اسفندیاری در «کوچ» و بلوغ و مسئولیت‌پذیری یک نوجوان روستایی را به تصویر می‌کشد. ساسان قجر نیز در «گرگی خان» سراغ تمثیل‌های کلاسیک حیوانی رفته است.

سهم پویانمایی‌های این دوره نیز با سه اثر شاخص، تلاشی برای تکیه بر فناوری و روایت‌های ملی است: «یادبادک‌ها» (الهام ابراهیمی) ایستادگی نوجوانان در برابر یورش روایت‌ها را به نمایش می‌گذارد، «تابقه و دیو سنگی» نبرد کودکان با دیوان را روایت می‌کند و انیمیشن بحث‌انگیز «ورگانا» (سیدمیثم سجادی) با بهره‌گیری از هوش مصنوعی،

درست نسبت به جهان پیرامون خود، همچنان بخندد، قصه بشنود، فیلم ببیند، با قهرمانانش همراه شود و رویا بسازد. سینما یکی از مهم‌ترین امکان‌های فرهنگ برای حفظ این امر و احیای آرامش و امید در کنار ایجاد و تقویت روحیه سلحشوری و اقتدار ملی به کودکان است. «او سینمای کودک را نیازمند ساختاری یکپارچه از تولید تا اکران و همراهی با آموزش و پرورش دانست.
در نگاهی هم‌راستا، حامد جعفری، دبیر جشنواره، برپایان نگاه تقلیل‌گرایانه انگشت گذاشت و تصریح کرد: «سینمای کودک هنوز در پاره‌ای نگاه‌ها شهروند درجه دو پنداشته می‌شود؛ پنداری که نشانه نگاه نازل ما به کودکی است. کودک، مخاطبی کوچک برای سینمایی کوتاه‌قد نیست.» او در ادامه این متن تأکید کرده است: «شهروند درجه یک بودن، عنوانی نیست که اعطا شود، حقی است که باید با اندیشه، خلاقیت، سرمایه‌گذاری و کیفیت، هر سال و در هر اثر، دوباره به دست آید.»

هنرمندانی درام‌های اجتماعی سایه جنگ و فانتزی‌های بومی
تحقق شعار «شهروند درجه یک» در سینما، پیش از هر چیز در میدان عیارسنجی آثار محک می‌خورد. بخش مسابقه داستانی سی‌وهشتمین دوره با حضور ۱۵ فیلم بلند، بازتابی رنگارنگ از نمایلات متنوع فیلمسازان است؛ ترکیبی از درام‌های اجتماعی، فانتزی‌های ماجراجویانه، بازخوانی‌های اسطوره‌ای و آثاری که بی‌واسطه به بازتاب سایه جنگ و ناامنی برروان کودکان پرداخته‌اند.

در خط مقدم این مواجهه، ردیای التهاب و دفاع پرزنک است. سیدجواد هاشمی در «یکی میاد دنبالم» روایتگر هشت کودک بی‌سرپرست در میانه بمباران‌های هوایی است و رهبر قشربری با «پلک پریشان پروانه»، آسیب‌های روحی دختری هفت‌ساله پس از

آغاز سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در اصفهان

جشنواره کودک به ۳۲ استان رفت



رویدادی به گستره سراسر ایران رقم زده است. برگزارکنندگان تا شانزدهم مهرماه، اولویت خود را بر استانداره‌های کبکی گذاشته‌اند؛ رویکردی گزیده‌کارانه که ثمره‌اش رقابت تنها ۱۱ اثر در بخش مسابقه بلند داستانی است. ویتزینی فشرده که با حضور سینماگرانی صاحب‌نام و چهره‌هایی چون الناز شاکردوست، امیرحسین صدیق، نغمه نظام‌دوست، یکتا ناصر و علیرضا خمسه، به امید اکرانی پرکشش منتظر می‌ماند.

کرد؛ آیینی با حضور برمرار شهدا و ادای احترام به دانش‌آموزان شهید میناب. جشنواره امسال پیش از هر چیز، جغرافیای توجه خود را از زاینده‌رود فراتر برده و با گره خوردن به نام کودکان میناب، کاروان «سینماسیار» را راهی جنوب کرده تا پرده جادویی خیال، التیام‌بخش اندوه این روزهای بازماندگان باشد. هم‌زمان، این ضایقت با همراهی سینماداران، دایره شمول خود را گسترده‌تر کرده و برای اولین بار با نمایش آثار در ۳۲ استان،

گزارش

گروه فرهنگی

سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، بدون تشریفات و هیاهوی مرسوم جشن‌های افتتاحیه، عصر شنبه ۱۱ مهرماه کار خود را با یک عهد معنوی در اصفهان آغاز

گفت‌وگوی «ایران» با هوشنگ جاوید و بابک رضایی درباره ضرورت موسیقی نواحی

نغمه‌هایی که در سکوت گم می‌شوند

درگذشت هنرمندانی چون شیرمحمد اسپندار بار دیگر ضرورت توجه جدی به موسیقی نواحی و ثبت آثار و تجربه‌های آنان را یادآوری می‌کند



سال‌های گذشته آن‌گونه که باید مورد توجه، ثبت و صیانت قرار نگرفته و آثار بسیاری از هنرمندان این عرصه یا به‌درستی ثبت و ضبط نشده یا فرصت شنیده‌شدن و معرفی شایسته را پیدا نکرده است. درگذشت استاد شیرمحمد اسپندار، نوازنده نامدار دولی، بار دیگر ضرورت توجه به موسیقی نواحی و هنرمندان آن را یادآوری کرد؛ هنرمندی که با وجود جایگاهش، ساز و هنر او در بسیاری از رویدادهای مهم موسیقی آن‌گونه که شایسته بود دیده و شنیده نشد. هوشنگ جاوید، پژوهشگر موسیقی اقوام ایران، در گفت‌وگو با «ایران» از وضعیت موسیقی نواحی، ضرورت ثبت و حفظ این میراث و جایگاه هنرمندانی چون شیرمحمد اسپندار سخن گفته است که در ادامه می‌خوانید.

گفت‌وگو

نداسیجانی
گروه فرهنگی

موسیقی اقوام ایران ریشه‌ای دیرینه در فرهنگ و تاریخ این سرزمین دارد؛ هنری که در گوشه‌گوشه ایران جریان دارد و آواها و نغمه‌های اصیل آن از خراسان شمالی و زاگرس تا بوشهر، بندرعباس و سیستان و بلوچستان طنین انداز است. با این حال، این میراث موسیقایی طی

چرا با وجود فعالیت نوازندگان موسیقی نواحی مانند شیرمحمد، در جشنواره‌های موسیقی کمتر شاهد حضور دولی نوازان هستیم؟
به این دلیل که برخی از افرادی که تحت عنوان پژوهشگر، جشنواره برگزار می‌کنند، حتی پایشان به روستاها نرسیده است و شاید بر اساس آشنایی‌ها و شماره تلفن‌هایی که در اختیار دارند، هنرمندان را دعوت می‌کنند. من ۱۲ جشنواره برگزار کرده‌ام و سوابق همه آنها را دارم. هنرمندانی را هم که دعوت کرده‌ام، قدم به قدم دنبالش‌ها کرده‌ام. اردشیر صالح‌پور نیز شاهد پژوهش‌های من در بخش موسیقی بختیاری بوده است. امروز در بلوچستان جوانانی هستند که ساز می‌نوازند و حتی هنرمندانی قدرتمندتر از برخی چهره‌های شناخته‌شده حضور دارند، اما نامی از آنها در جشنواره‌های موسیقی نیست.
برگزارکنندگان جشنواره‌هایی مانند جشنواره موسیقی نواحی باید این هنرمندان را پیدا و معرفی کنند. اینکه شما یک هنرمند را در جشنواره نمی‌بینید، به این معنا نیست که

حمایت از موسیقی نواحی از ثبت آثار تا احیای مکتبخانه‌ها

اشاره کرد و گفت: «یکی از موضوعاتی که طی یک سال گذشته در دفتر امور موسیقی مورد توجه قرار گرفته، احیا و راه‌اندازی طرح «مکتبخانه‌های موسیقی» است و ما به‌طور جدی این موضوع را دنبال می‌کنیم. البته منظور از مکتبخانه‌های موسیقی، نت‌نگاری یا کلاسیک کردن آموزش موسیقی نواحی نیست؛ بلکه هدف، ساماندهی و ایجاد یک ساختار مناسب برای آموزش سازها و مقام‌های موسیقی نواحی ایران و فراهم کردن خروجی مناسب از این آموزش‌هاست. این پروژه سال‌ها مغفول مانده بود و دفتر موسیقی از سال گذشته تلاش کرده است با هماهنگی ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌هایی که در جغرافیای فرهنگی این گونه‌های موسیقایی قرار دارند، زمینه احیای مکتبخانه‌های موسیقی نواحی ایران را فراهم کند. امیدواریم بتوانیم امسال و تا پایان سال، این طرح را به نتیجه برسانیم و در سال‌های آینده نیز مکتبخانه‌های دیگری را در نقاط و مراکز مختلف کشور راه‌اندازی کنیم.

مدیرکل دفتر موسیقی درباره توسعه مکتبخانه حاج قربان که در روستای محل سکونت علیرضا سلیمانی، فرزند حاج قربان برپا است، گفت: «قرار است در این زمینه فضایی مناسب احداث شود. یکی از مسائل و مشکلات مهم ما برای راه‌اندازی مکتبخانه‌ها، تأمین مکان است. اگر بخوایم برای هر مکتبخانه مکان جدیدی احداث کنیم، اعتبار قابل توجهی نیاز دارد. و طبیعتاً درباره استفاده از ظرفیت فضای موجود گفت‌وگو کرده‌ایم. پیشنهاد ما این است که از بناهای قدیمی و تاریخی که تحت اختیار مجموعه‌های میراث فرهنگی هستند و از نظر فضا و حال و هوای فرهنگی نیز با موسیقی نواحی ارتباط دارند، استفاده شود. اگر این فضاها در اختیار قرار بگیرند و امکان بازسازی و آماده‌سازی آنها فراهم شود، دفتر موسیقی می‌تواند از محل اعتبارات محدودی که در اختیار دارد، برای تجهیز و راه‌اندازی مکتبخانه‌های موسیقی نواحی در این مراکز حمایت و پشتیبانی کند. هدف این است که به جای ایجاد ساختارهای پرهزینه و جدید، از ظرفیت‌های موجود در استان‌ها استفاده کرد و بتوانیم مکتبخانه‌های موسیقی را در بستر واقعی و فرهنگی خودشان احیا کنیم.»



برش

بابک رضایی، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در گفت‌وگو با «ایران» درباره حمایت و اقدامات انجام شده دفتر موسیقی از ثبت و ضبط آثار بزرگان موسیقی نواحی بیان کرد: «استاد شیرمحمد اسپندار طی سالیان گذشته، در دوره‌ای که در اوج فعالیت، نشاط و پویایی بود و با بیماری و کسالت مواجه نبود، در جشنواره‌های مختلف موسیقی نواحی، جشنواره موسیقی فجر و همچنین جشنواره‌های بین‌المللی حضور داشته و آثار ایشان نیز در ادوار مختلف ضبط و منتشر شده است. امروز نیز با توجه به پیشرفت فناوری، امکانات فنی و دسترسی نقاط مختلف کشور به این امکانات، ثبت و ضبط آثار موسیقایی دیگر کار دشواری نیست. از سوی دیگر، ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها و همچنین مراکز و مؤسسات فرهنگی و هنری متعددی که در سراسر کشور مجوز فعالیت دارند، به این امکانات دسترسی دارند و می‌توانند در این زمینه نقش آفرینی کنند.»

بابک رضایی در ادامه افزود: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز به‌عنوان متولی فرهنگ و هنر، بیش از هر چیز باید بستر زمینه لازم را برای این فعالیت‌ها فراهم کند. صدور مجوز فعالیت مؤسسات فرهنگی، مجوز تأسیس استودیوها و همچنین تسهیل دسترسی به برخی تجهیزات، در کنار توجهی که در جشنواره‌ها و برنامه‌های مختلف فرهنگی و هنری به موسیقی نواحی می‌شود، بخشی از این حمایت‌هاست. با این حال، و نظر به یکی از نقاط مغفول موسیقی فرهنگی مردم ایران قرار بگیرند.»

او درباره نبود آموزش اکادمیک منسجم موسیقی اقوام ایران در مراکز آموزشی همچون دانشگاه‌ها و هنرستان‌های موسیقی پاسخ داد: «متأسفانه موسیقی نواحی، مانند موسیقی کلاسیک ایرانی، به شکل گسترده نت‌نگاری نشده است و بسیاری از آثار، نغمه‌ها و ملودی‌های این حوزه همچنان به صورت سینه‌به‌سینه منتقل می‌شوند. البته این موضوع از جمله مواردی است که اداره کل آموزش‌های هنری باید برای آن برنامه داشته باشد. مراکز دانشگاهی، پژوهشگران و اندیشمندی که در حوزه پژوهش موسیقی فعالیت می‌کنند نیز باید به این مسأله توجه جدی داشته باشند.»

رضایی به راه‌اندازی مکتبخانه‌های موسیقی

هنر هنرمند مهم است، اما برای نگهداری خود این هنر کار چندانی انجام نشده است. امروز موسیقی نواحی ما به سمت افول می‌رود. در ملودی‌هایی که نوازندگان با سازهای محلی خود اجرا می‌کنند، گاهی نغمه‌های موسیقی شهری یا موسیقی ردیف و دستگاهی شنیده می‌شود و این یک آسیب جدی است. نغمه اصلی موسیقی نواحی در حال فاصله گرفتن از اصالت خود است. من و محمدرضا درویشی سال‌ها اعلام کردیم که باید «مکتب موسیقی نواحی» ایجاد شود و حتی طرح هم ارائه کردیم، اما اتفاق خاصی نیفتاد.

مرگ هنرمندان بزرگی چون شیرمحمد اسپندار یک مرگ ساده نبود. در منطقه بلوچستان، او آن قدر در کارش توانا بود که به او لقب «پهلوان» داده بودند؛ یعنی هنرمند چیره‌دستی بود و می‌توان از این جایگاه را نوعی دکتری مردمی، بدون مدرک، دانست. اما چه فایده؟ از من بپرسید غیر از اثری که درویشی از شیرمحمد منتشر کرد، چند نفر دیگر از آثار او استفاده کردند؟ صداهای موسیقی مرکز سیستان و بلوچستان چقدر از آثار شیرمحمد ضبط کرد و چقدر تلاش کرد از هنر او در برنامه‌هایش استفاده کند؟ این تأسف خوردن‌ها بعد از مرگ شیرمحمد فایده‌ای ندارد و نمی‌تواند اهمال‌هایی را که درباره این هنرمندان صورت گرفته، پنهان کند.

شما تجربه برگزاری جشنواره‌های تخصصی موسیقی نواحی و آیینی را هم داشته‌اید. این جشنواره‌ها چه دستاوردی داشتند؟

من یک بار در زندگی این کار را انجام دادم. جشنواره «خنیگران انقلاب اسلامی» را در لرستان سه دوره برگزار کردیم، اما مسئولان گفتند چون هم‌زمان با جشنواره موسیقی فجر است، نباید برگزار شود. وقتی جشنواره موسیقی آیینی را برگزار کردم، می‌خواستیم به مردم و مسئولان ثابت کنیم که موسیقی ایران مردم موسیقی غریب نیست. موسیقی ایران با لحظه‌لحظه زندگی ایرانی‌ها عجین و آمیخته است. ترانه‌هایش با باورها و نغمه‌هایش با حس مردم از طبیعت پیوند دارد. بارها این سؤال را مطرح کرده‌ام که چرا یک عاشیق وقتی به عروسی می‌رود، حتی اگر دوهزار نفر در مراسم حضور داشته باشند، ابتدا نام خدا را می‌آورد و حمد خدا را می‌خواند؟ چون یک باور در ایران وجود داشته که از گذشته سینه‌به‌سینه منتقل شده است؛ اینکه در بهترین لحظات و عمیق‌ترین لحظات به یاد خدا باشید. این فرهنگ است که موسیقی ما را ساخته و در حقیقت، موسیقی می‌تواند سجایای یک نسل را به نسل بعد منتقل کند.

نسل بعد منتقل کند.